

Armenia's Peripheral Security Threats and Challenges in the Post-Cold War Era

Geghard Mansouriyan¹, Bashir Esmaeili^{2*}, Masoud Jafarinejad³

Received: 2024/08/27
Accepted: 2024/12/01

Research Article

Abstract

After the collapse of the Soviet Union, independent countries entered the international arena. In addition to the challenges of the socialist era, these countries faced new issues in the new political system. Armenia was also one of those newly independent countries that faced security threats such as the ideology of Pan-Turkism among its neighbors. The conflict over the Karabakh region between Armenia and the Republic of Azerbaijan, the lack of diplomatic relations with Turkey and the closure of the common borders with that country, the threat of a military attack by Turkey, and the territorial claim of the Republic of Azerbaijan to the lands of Armenia are examples of security threats against that country. The present research has been developed using a descriptive-analytical method and the theory of defensive realism. The main question of the research is based on the security threats and challenges faced by Armenia after the Cold War. The research hypothesis is that the Karabakh conflict, the closure of Armenia's peripheral borders, and the attempt to spread the ideology of Pan-Turkism are among the most essential examples of security threats after the Cold War.

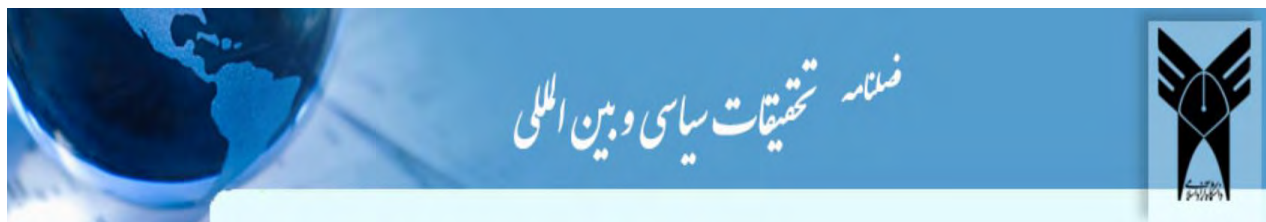
Keywords: Armenia, Karabakh; Post-war period, Pan-Turkism

Mansouriyan, G., Esmaeili, B., & Jafarinejad, M. (2024). Armenia's Peripheral Security Threats and Challenges in the Post-Cold War Era. *Journal of Political and International Research*, 16(61), pp.81-96.

¹ International Relations Student, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran: geghard2002@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran: bashir_esmaeili@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran: Pegah420ma@yahoo.com



تهدیدات و چالش‌های امنیتی پیرامونی ارمنستان در دوران پسا جنگ سرد

گقارد منصوریان^۱، بشیر اسماعیلی^۲ *مسعود جعفری نژاد^۳

مقاله پژوهشی	تا بیخ دریا ت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱
--------------	--

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای مستقلی پا به عرصه بین الملل نهادند و این کشورها علاوه بر چالش‌های دوران حکومت سوسیالیستی با مسائلی نوینی در نظام سیاسی جدید مواجه گردیدند. کشور ارمنستان نیز از جمله آن کشورهای تازه استقلال یافته‌ای بود که با تهدیدات امنیتی از قبیل ایدئولوژی پان ترکیسم در میان همسایگان خود مواجه شد. مناقشه بر سر منطقه قره باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، عدم روابط دیپلماتیک با ترکیه و مسدود نمودن مرزهای مشترک با آن کشور، تهدید به حمله نظامی از سوی ترکیه و ادعا ارضی جمهوری آذربایجان نسبت به سرزمین‌های ارمنستان نمونه‌هایی از تهدیدات امنیتی علیه آن کشور می‌باشد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه رئالیسم تدوین گردیده است. پرسش اصلی پژوهش بر این مبناست که تهدیدات و چالش‌های امنیتی ارمنستان پسا جنگ سرد کدام است؟ فرضیه پژوهش نیز عبارت است این که مناقشه قراباغ، مسدود بودن مرزهای پیرامونی ارمنستان و تلاش برای گسترش ایدئولوژی پان ترکیسم از مهمترین مصادیق تهدیدات امنیتی پسا جنگ سرد می‌باشد.

واژگان کلیدی: ارمنستان، قره باغ؛ دوران پسا جنگ، پان ترکیسم

منصوریان؛ گقارد، اسماعیلی؛ بشیر، جعفری نژاد؛ مسعود (۱۴۰۳). تهدیدات و چالش‌های امنیتی پیرامونی ارمنستان در دوران پسا جنگ سرد. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱، صفحات ۹۶-۸۱.

^۱ دانشجوی روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران. geghard2002@yahoo.com

^۲ استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران. (نویسنده مسئول). bashir_esmaeili@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران Pegah420ma@yahoo.com

مقدمه

با پایان جنگ سرد در عمل نقشه جغرافیایی سیاسی جهان در حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی شکل جدیدی به خود گرفت؛ کشورهای جدیدی بر روی نقشه جغرافیایی سیاسی جهان نمایان شدند و در پی آن شرایط جدید سیاسی و ژئوپلیتیک نیز در منطقه حکم فرما شد. در میان مناطق مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی، قفقاز جنوبی با موضع ویژه خود در حوزه امنیتی و ژئوپلیتیکی حائز اهمیت گردید.

قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای به واسطه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی دائماً به دنبال ایجا حوزه نفوذ در منطقه بوده و نگاه ویژه ای به آن منطقه دارند. در دوران شوروی سوسیالیستی قفقاز جنوبی به عنوان منطقه ای حائل و دفاعی در برابر ورود غرب و کاپیتالیسم به اتحاد جماهیر شوروی ایفای نقش می کرد.

کشور ارمنستان با پیشینه تاریخی طولانی یکی از کشور های قفقاز جنوبی با جغرافیای خاص به صورت کوهستانی و امتداد یافته از شمال به جنوب با عرضی کم می باشد. قرار گرفتن ارمنستان بین دو قدرت منطقه ای یعنی ایران و ترکیه و مسائل تاریخی ملت ارمنی و روابط آن با ترک ها تاثیر بسزایی بر دیدگاه امنیتی ارمنه برجا گذاشته است. در این میان نسل کشی یک و نیم میلیون ارمنی در سال های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ و از دست دادن بخش ارمنستان غربی شامل مناطق قارص، وان و کوه های آزارات، تهدید به حمله نظامی ترکیه در سال های اولیه دهه نود میلادی که با موضع شدید روسیه روبرو شد.

به علاوه مسدود نمودن مرزهای پیرامونی ارمنستان و عدم روابط دیپلماتیک بین ایروان و آنکارا چالشی جدی در حوزه امنیت ارمنستان می باشد. مناقشه در منطقه قره باغ میان دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان که با جنگ های طولانی در آن منطقه مواجه گردید و ادعا اراضی آن جمهوری از ارمنستان از دیگر تهدیدات امنیتی علیه ارمنستان محسوب می شود. به باور ارمنه مسبب اصلی تهدید های مطرح شده ایدئولوژی پا ترکسیم و گسترش آن می باشد.

تحولات سال های اخیر منطقه ای همچون بحران سوریه و جنگ داخلی، ناکامی ارمنه در مناقشه قراباغ، حضور رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان و فروش گسترده تسلیحات به آن جمهوری، از دیگر چالش های جدی امنیتی علیه ارمنستان می باشد.

در این پژوهش با بهره گیری از نظریه رئالیسم تدافعی، به شیوه توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که تهدیدات و چالش های امنیتی ارمنستان در دوران پسا جنگ سرد کدامند؟ فرضیه بدین منوال است که تهدیدات امنیتی پیش روی ارمنستان ناشی از ایدئولوژی پان ترکسیم در دوران پسا جنگ سرد می باشد.

۱- نظریه رئالیسم کلاسیک

ماکیاولی نخستین رئالیسم (واقعگرایی) مطرح سیاسی می باشد. نظریه رئالیسم را می توان در نظرات سیاسی وی یافت. در حقیقت از تحلیل او از روابط میان دولت ها در نظام ایتالیایی قرن شانزدهم. بر اساس مشاهدات وی از رویه سیاسی زمان شکل می گیرد؛ تاکید او بر لزوم اتخاذ معیارهای اخلاقی متفاوت از معیارهای افراد از سوی فرمانروا برای تضمین بقا دولت، توجه او به قدرت و این فرض او که وجه مشخصه سیاسی، تعارض منافع است، دیدگاه بدبینانه او نسبت به سرشت بشر، جملگی به وضوح او را در چهارچوب واقع گرایی قرار می دهد (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۷۶، ۷۷).

تامس هابز نیز دیگر نظریه پرداز مهم در رئالیسم کلاسیک می باشد. وی با بدینی به ذات بشر به امکان تغییر بنیادین رفتار انسان ها باور نداشت. او هم مانند ماکیاولی اخلاق را از حیات جدا می کرد. وی نیز بر آن بود که «قبل از اینکه اسم عادل و ظالم جایی داشته باشند باید نوعی قدرت قهری وجود داشته باشد». هابز روابط بین الملل را در «وضعیت طبیعی» تلقی می کرد که در آن «قانون جنگل» حاکم است (مشیر زاده، ۱۳۹۳: ۷۸).

رئالیست ها (واقعگرایان) بر قدرت، به عنوان عامل اصلی در سیاست بین الملل تاکید می کنند و هر دولتی مجاز است که از هر وسیله ای که او را به هدفش می رساند استفاده کند؛ به عبارت دیگر، سیاست بین الملل جنگ برای قدرت است. (ابراهیم فر،

۱۳۹۱: ۴۹). رئالیسم دولت‌ها را بازیگران اصلی صحنه سیاست بین‌الملل تلقی کرده‌اند. آنها ضمن تاکید بر موضوع امنیت معتقدند که چنانچه دولت نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۷).

۱-۱- نئورئالیسم

نظریه پردازان نئورئالیسم تلاش گسترده‌ای برای علمی کردن رئالیسم در اواخر دهه ۷۰ میلادی آغاز نمود. در طول دهه ۱۹۸۰، نئورئالیسم (که گاه رئالیسم نو یا رئالیسم ساختاری نامیده می‌شود)، در سایه نفوذ نظر والتز و دیگران، گسترش یافت. کنت والتز، در کتاب مهم خود با نام تئوری سیاست بین‌الملل (۱۹۹۷)، اصرار دارد که برای درک بهتر رفتار نظام بین‌الملل، باید با مطالعه نظام و سپس مطالعه اجزای نظام یعنی بازیگران، آغاز به کار کنیم. واقع‌گرایان ساختاری استدلال می‌کنند که دولت، قدرت و امنیت، مفاهیم مرکزی هستند که در این مورد با رئالیست‌های کلاسیک هم عقیده هستند. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۷۳).

نئورئالیسم معتقدند که نظام بین‌الملل آنارشیک است، این آنارشی البته به معنای بی‌نظمی و هرج و مرج بین‌المللی و عدم رفتار الگومند و همچنین به معنای جنگ تمام عیار و مناقشه‌عریان و مستمر نیست، بلکه منظور از آنارشی، نوع اصل نظام بخش و تنظیم کننده است. نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده است که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آنهاست.

پس بی‌نظمی یا آنارشی یعنی فقدان حکومت مرکزی نظام بین‌الملل که موجب انباشت قدرت را برای بقا به دولت تحمیل می‌کند. بدین ترتیب نواقع گرایي سطح تحلیل را نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است که ساختار نظام بین‌الملل نوع و قواعد بازی را مشخص می‌کند. (فیروز آبادی، ۱۳۹۵، ۳۵).

بر خلاف واقع‌گرایی کلاسیک که بهره‌گیری از زور را یکی از مختصات طبیعی سیاست بین‌الملل می‌داند، تو واقع‌گرایی تمایل چندانی به استفاده از زور نشان نمی‌دهد. نوع واقع‌گرایان علاوه بر توجه به تعارضها و ستیزها، به همکاری‌ها نیز عنایت دارند. (قوام، ۱۳۹۰، ۸۵، ۸۹)

نئورئالیسم بر این باورند که دولتها بدون در نظر گرفتن مسائل داخلی، مبادرت به سیاست‌گذاری خارجی نموده رفتار خویش را در چهارچوب یک ساختار تنظیم می‌کنند. در فرایند جهانی شدن تغییر در بازیگران دولت حاصل نخواهد شد و موضوع مبارزه برای قدرت سیاسی را میان دولتها منتفی نمی‌سازد و استفاده زور همچنان در کانون توجهات سیاست بین‌الملل است. (قوام، ۱۳۸۸، ۳۷۲)

نواقع گرایي تمایل چندانی به استفاده از زور نشان نمی‌دهد، بر خلاف رئالیسم کلاسیک که بهره‌گیری از زور را یکی از ویژگی‌های طبیعی سیاست بین‌الملل می‌داند. نوع واقع‌گرایان علاوه بر توجه به تعارضها و ستیزها، به همکاری‌ها نیز عنایت دارند. (قوام، ۱۳۹۲: ۸۵، ۸۹).

۲- نظریه رئالیسم تدافعی

«جک اسنایدر»^۱ و «استفان والت»^۲ از نظریه پردازان واقع‌گرایی تدافعی هستند. تاکید والت بر اهمیت «موازنه تهدید»^۳ به جای موازنه قدرت است؛ در واقع از نظر او، صرف قدرت مهم نیست، بلکه سایر عوامل هم مهم هستند. در واقع از نظر والت، برداشت‌های دولتها از یکدیگر مهم است. هر چه دولتها تجاوزکارتر باشند احتمال اینکه دولتهای دیگر علیه آن موازنه سازی را در پیش گیرند، بیشتر است.

^۱Jeaksnyder

^۲ Stephen M. Walt

^۳ Balance of threat

دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجاد کننده موازنه، تهدید کننده باشد. بر این اساس از دیدگاه والت، صرف عنصر قدرت سبب ایجاد رفتار توازن گرا نمی‌شود و موازنه تهدید مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر، برآورد می‌شود. (Valt, 1985: 5-13)

در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی ترین مسئله است. نگاه رئالیست‌های تدافعی نگاهی کاملاً امنیتی است، مطالعات روابط بین الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع رویکرد در صدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی برآمدند. (Kiyshney, 2010, 2) تدافعی‌ها براین باورند که مخاصمه در برخیشراط اجتناب ناپذیر است، زیرا دولت‌های متجاوز و توسعه طلبی وجود دارند که نظم جهان را به چالش می‌کشند و نیز کشورها تنها در راستای تعقیب منافع ملی خود ممکن است درگیری با دیگر کشورها را اجتناب ناپذیر کنند. (ترابی، ۱۳۸۸: ۲۶).

۳- ایدئولوژی پان ترکسیم

بسیاری از پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل غرب آسیا در مطالعه پان ترکسیم و رابطه آن با ترکیه، دارای دو برداشت نادرست هستند. اولاً اینکه میان پان ترکسیم و سایر مفاهیم مربوطه تفاوت قائل نمی‌شوند. دوم اینکه در برقراری رابطه میان پان ترکسیم و دولت ترکیه به ویژه در دوران آتاتورک دچار اشتباه می‌شوند.

در رابطه با برداشت نادرست رایج نخست باید به ذکر این نکته پرداخت که در مطالعات مربوط به ترکیه، به ویژه تا آنجا که به موضوع پان ترکسیم مربوط می‌شود باید سه مفهوم اساسی را از یکدیگر جدا ساخت.

نخست، مفهوم ناسیونالیسم ترک که به ایدئولوژی ملی‌گرایانه رسمی ترکیه در دوران آتاتورک و پس از آن اشاره می‌کند و هدف آن ایجاد یک دولت ملی ترک در بقایای امپراتوری عثمانی و هویت سازی ترکی در چهارچوب مرزهای آن بود.

دوم واژه پان ترکسیم که در ادبیات مربوطه به گرایش ملی‌گرایی رمانتیک، به آن گروه از نخبگانی اشاره می‌کند که در پی ایجاد یک دولت واحد متشکل از ترکیه و مردمان ترک تبار منطقه هستند. (احمدی، ۱۳۸۸).

مرحله اولیه پان ترکسیم فعال که در امپراتوری عثمانی در اوایل قرن بیستم شروع شد، به سرعت توسعه پیدا کرد و طی روزهای نهایی و به دنبال آن فروپاشی امپراتوری به یکی از اوج‌های خود رسید (لاندو، ۱۳۸۶: ۶۳).

فرصت تاریخی پان ترکسیم اندکی قبل از جنگ جهانی اول و در جریان آن فراهم آمد، یعنی هنگامی که گروه با نفوذی از ترک‌های جوان که در باب سرنوشت عثمانی قدرت تصمیم‌گیری داشتند، پان ترکسیم را به عنوان اصل راهنمای سیاست دولت برگزیدند. (لاندو، ۱۳۸۶: ۸۶).

نظریه‌پردازان پان ترکسیم از آقچورا گرفته تا عزت علوی «در ترک یوردو» شدیداً اصل عثمانی‌گرایی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. آنان می‌گفتند امپراتوری عثمانی دارد رو به زوال می‌رود و نه فکر همبستگی خلاف جریان تاریخ بین عناصر مختلف و نه عقاید کهنه مذهبی خواهند توانست آن را نجات بدهد.

ترکیه عثمانی که از جنگ‌های پی در پی خسته شده، اینک تحت نفوذ غربیان اشاعه دهنده فساد، دچار انحطاط گردیده است و جز با نیروی خودش نمی‌تواند سر بلند کند. بنابراین جز توسل به ترک‌گرایی (پان ترکسیم) راه نجاتی موجود نیست. (واند، ۱۳۶۹: ۷۰).

پان ترکسیم به لحاظ ماهیت، یک ایدئولوژی نژاد پرستانه است، در عین حال جنبشی الحاق‌گرایانه نیز هست، نوشته‌های پان ترک‌ها و عمل رهبران آنها حاکی از این است که الحاق سایر زمین‌های دارای جمعیت‌های ترک زبان از اهداف عمده پروژه پان ترکی بوده است. پان ترکسیم به همان اندازه که یک ایدئولوژی نژادگرایانه است، به شدت رمانتیک و تخیلی نیز هست! ایجاد یک امپراتوری رویایی از دل اروپا تا چین، و استفاده از نمادهایی چون گرگ خاکستری (بوز کورت) در نشریات و تبلیغات گروه‌های پان ترکسیم - نظیر حزب حرکت ملی - نمونه این رمانتیسم و تخیلی‌گرایی است. (لاوند، ۱۳۸۶: ۱۵)

موانع بسیاری در پیشبرد پروژه پان ترکسیم در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی وجود دارند. با وجود همراهی همیشگی جمهوری آذربایجان با برنامه‌های محافل پان ترکی در ترکیه و با اینکه باکو و نخبگان پان ترکسیت در حکم کاسه داغ تر از آش! عمل می‌کنند؛ سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی چندان تمایلی به سیاست‌های پان ترکی نشان نمی‌دهند. (احمدی، ۱۳۸۸) پان ترکسیم نیز، مانند صهیونیسم، به دلیل خاستگاه واحد یهودی، زایشی همزمان با آن، همراهی با غرب، اسلام ستیزی، نژاد پرستی، الحاق‌گرایی و اهداف مشترک با صهیونیست‌ها، همزاد ایدئولوژیک صهیونیسم است، تأثیر ویژه عنصر یهودی در تدوین این ایدئولوژی نژاد پرستانه از سطح نظریه‌پردازی ساده امثال کوهن، وامبری و لوملی دیوید فراتر می‌رود. (برزوی، ۱۳۹۳: ۸۶).

۴- تهدیدات همسایگان

۴-۱- جمهوری آذربایجان

۴-۱-۱- مناقشه منطقه قراباغ

قراباغ یا آرتساخ بخشی از منتهی‌الشرقی سرزمین ارتفاعات ارمنستان بزرگ، در جنوبی‌ترین نقطه قفقاز واقع شده و سواحل شرقی دریاچه سوان در غرب، رود ارس در جنوب، کرانه‌های دشت مغان در شرق و دامنه‌های جنوبی کوه‌های مارا از سلسله جبال ارمنستان در شمال، سرحدات طبیعی آن را تشکیل می‌دهند. جامعه‌شناسان معتقدند که شرایط اقلیمی موطن هر قومی تأثیری به غایت مهم در روند تکامل آن دارد.

سلسله جبال ارمنستان و دره‌ها و دامنه‌های حاصل‌خیز محصور در آن هم، که از ایام دور موطن نژاد هندواروپایی بود، نقش اشکار در روند پیشرفت و تعالی تمدن انسان، که سرنوشت آرمنوئید را نیز رقمی زنده داشته است. ناگورنو قراباغ یا قره باغ کوهستانی فعلی با مساحت حدود ۴۴۰۰ کیلو متر مربع در جنوب شرقی قفقاز واقع شده است، پایتخت خود مختار شهر استپانکارت (خانکندی) بوده است، قراباغ دارای پنج منطقه عمده است. مارتاکرت، عسکران، مارتونی، شوشی و هدروت می‌باشد. (اراکلیانس، ۱۳۹۵).

پس از تصرف قفقاز جنوبی توسط بلشویک‌ها در سال ۱۹۲۱ م دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان همراه با سایر ارگانهای حکومتی جمهوری، تصمیم بر ضد الحاق قراباغ به جمهوری ارمنستان گرفتند و هشدار دادند که در غیر این صورت مسئول عواقب آن نخواهند بود. به عبارت دیگر روسها را به امکان بروز نا آرامی‌هایی تهدید کردند.

دفتر کمیته مرکزی قفقاز در ۵ ژوئیه ۱۹۲۱ م تصمیمی مبنی بر احاله وضع به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه گرفت، اما نمایندگان ارامنه در کمیته پیشنهاد تجدید نظر احاله موضوع به کمیته مرکزی را دادند. نه تنها این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت، بلکه در همین جلسه با واگذاری قراباغ به آذربایجان نیز مورد موافقت گردید. بدین ترتیب از لحاظ رسمی موضوع

قراباغ مختومه اعلام شد (mkertehian, 1990: 37)

اوایل سال ۱۹۸۸ در استپانکرات مرکز اداری قراباغ کوهستانی، رشته تظاهراتی به نفع الحاق منطقه به ارمنستان آغاز شد. در فوریه همان سال مجلس نمایندگان شورای قراباغ یعنی عالی‌ترین ارگان حکومتی منطقه خود مختار قراباغ کوهستانی به اتفاق آراء از شورای عالی جمهوری آذربایجان و شورای عالی ارمنستان خواست که برای خروج قراباغ از قلمرو آذربایجان و الحاق آن به جمهوری ارمنستان اقداماتی لازم را به عمل آورند.

یک دسامبر سال ۱۹۸۹ میلادی شورای عالی جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان و شورای ملی قراباغ کوهستانی در نشست مشترک خود به اتفاق آراء تصمیم اتحاد مجدد جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان و ناحیه خود مختار قراباغ کوهستانی را اتخاذ کردند. (ماناسیان، ۲۰۱۱: ۱۲۱، ۱۱۹).

بالاخره پس از یک سال، قراباغ بر خلاف سیاست چند سال اخیرش مبنی بر الحاق به ارمنستان، خط مشی جدیدی در پیش گرفت و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۱ خود را تحت عنوان جمهوری مستقل اعلام داشت. با عقب نشینی تدریجی نیروهای نظامی روسیه

از منطقه و جمهوری آذربایجان انبوهی از تسلیحات مدرن به دست نیروهای متخاصم افتاد. به نحوی که استپاناکرت پایتخت قراباغ تحت آتش توپخانه و آتش بار موشکهای آذری ها قرار گرفت (بیات، ۱۳۷۱: ۹۳) و با حمله زمینی نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان به قراباغ و دفاع از خود ارمنیان و کمک جمهوری ارمنستان به ساکنان آن منطقه موجب آغاز جنگی چهار ساله در منطقه گردید جنگی که با عدم قبول تعیین حق سرنوشت و پیشینه تاریخی ساکنان آن منطقه از طرف جمهوری آذربایجان ویدئولوژی پان ترکسیم منشآت می گرفت.

برای مثال، تغییر توازن قدرت جنگ قراباغ علیه جمهوری آذربایجان باعث شد دولت وقت ترکیه در سال ۱۹۹۲ ضمن هشدار به ارمنستان، بخشی از نیروهای نظامی خود را به جمهوری نخجوان اعزام و تهدید به مداخله جدی نماید. این تحرکات، باعث واکنش شدید مقامات روسیه و فرمانده کل نیروهای جامعه مشترک المنافع و هشدار به ترکیه گردید. فرمانده مذکور اعلام نمود «هرگونه مداخله خارجی در قراباغ منجر به درگیری بزرگ نظامی خواهد شد» (بنی هاشمی، ۱۳۸۸).

ارتش جمهوری آذربایجان همچنین شهرهای مرزی ارمنستان را مورد تجاوز قرار داد، که کشور تازه استقلال یافته ارمنستان وارد جنگی خونین با خود نمود که تا سال ۱۹۹۴ به طول انجامید و موجب کشته و آواره شدن هزاران نفر گردید. نبرد های دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان ۳۰ سال ادامه داشته و همکنون با تصرف آن منطقه توسط آذربایجان و خروج ۱۲۰ هزار ارمنی از قراباغ و ورود به ارمنستان آینده نامعلومی رقم زده است که یکی از جدی ترین تهدید امنیتی ارمنستان پی جنگ سرد و فروپاشی شوروی بوده است.

۴-۱-۲- حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان

امروزه رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در تمام زمینه های امنیتی - سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روابط بسیار خوبی دارند. به شکلی که «آریه گات»^۱ دبیر اجرایی کنگره آذربایجانی های اسرائیل می گوید: «هیچ کشوری در اور آسیا و قفقاز، روابطی نزدیک تر و گرم تر از [جمهوری] آذربایجان با اسرائیل ندارد» (امیر احمدیان، ۱۳۹۵).

اسرائیل موجودیت آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت. در ۶ آوریل ۱۹۹۲ دو کشور روابط دیپلماتیک خود را آغاز و در سال ۱۹۹۳ سفارت اسرائیل در باکو افتتاح شد. ولی علیرغم وعده های داده شده آذربایجان هنوز سفارت خود در تل آویو را ایجاد نکرده است. عدم افتتاح سفارت آذربایجان در تل آویو می تواند از یک سو نشانه عدم علاقه مقامات باکو به برانگیختن خشم ایران و از دیگر سو به خطر انداختن عضویت این کشور در سازمان همکاری اسلامی باشد (رادگودزی، ۱۳۹۵).

از زمان ایجاد روابط دیپلماتیک، ملاقات هایی در سطوح مقامات عالی رتبه دو طرف در باکو و تلاویو برگزار شده است، با این وجود در بیشتر موارد این مقامات عالی رتبه اسرائیلی بوده اند که به باکو سفر نموده اند. در سال ۱۹۹۷ «نتانیاها» به عنوان نخست وزیر وقت اسرائیل در اولین دور نخست وزیری خود با حیدر علی اف رئیس جمهور وقت آذربایجان در باکو دیدار کرد.

در سال ۲۰۰۹، شیمون پرز رئیس جمهور وقت اسرائیل به همراهی سه وزیر و ۵۰ نفر از صاحبان صنایع اسرائیل به باکو سفر کرده و با الهام علی اف رئیس جمهور جدید ملاقات کردند. سپس در ۲۰۱۰ ایهود الموت نخست وزیر جدید اسرائیل به باکو سفر کرد وزیر خارجه اسرائیل او یگدور لیبرمن سه بار در بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ از باکو دیدن کرد. در سپتامبر ۲۰۱۴ موشه یالون وزیر دفاع اسرائیل عالیرتبه ترین مقام نظامی اسرائیل بود که عازم باکو شد (رادگودزی، ۱۳۹۵).

¹Arye Gut

هدف اسرائیل از گسترش دامنه‌ی مناسبات خود با آذربایجان جدای از مسئله یهودیان این کشور حضور در صنایع نفت این جمهوری است. حضور قوی رژیم صهیونیستی در این منطقه موجب تثبیت موقعیت اسرائیل برای رسیدن به اهدافش در منطقه خواهد بود. در این بین با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان، این کشور برای اسرائیل از جهات مختلف حائز اهمیت است. (<http://peasc.org>)

واردات نفت از آذربایجان از منافع مهم اسرائیل است. بخش عظیمی از نفت مصرفی اسرائیل (حدود ۴۰٪) یا از خود جمهوری آذربایجان و یا از طریق آذربایجان از راه خطوط لوله باکو-تفلیس-جیهان وارد می‌شود، به‌طوری که حتی شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان در استخراج نفت شمن اوپل در سواحل آشدود سهم داشت.

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی در نگاه دولت آذربایجان بازپس‌گیری مناطقی است که در جنگ قراباغ در اوایل دهه ۱۹۹۰ از دست داد. آذربایجان به دلیل همین روابطش با اسرائیل است که معتقد است در صورت شکست مذاکرات دیپلماتیک اقدام نظامی غیرمحتمل نیست و برای چنین رویارویی آماده می‌شود (لیندت استراوس، ۱۳۹۴).

پایگاه خبری «لراگیر» ارمنستان با اشاره به مصاحبه یوسی کوهی رئیس موساد در رابطه با سفر نتانیاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به باکو می‌نویسد: به گفته رئیس موساد سفر نتانیاو به باکو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی ابراز امیدواری کرده است که در سفر یادداشت تفاهم میان سرویس‌های امنیتی دو طرف امضاء شود.

همچنین از فروش سیستم‌های امنیتی پیشرفته به جمهوری آذربایجان خبر داده است. اسرائیل پایگاه‌های بسیاری در جمهوری آذربایجان دارد که بعضی از این پایگاه‌ها در کناره‌های مرزی ایران قرار دارند (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۴۹). اسرائیل هشتمین فروشنده سلاح در جهان است و جمهوری آذربایجان پس از هند و کره جنوبی سومین خریدار تسلیحات نظامی از اسرائیلی باشد. این تسلیحات خریداری شده بیشتر سیستم‌های موشکی، ماهواره‌ای، هواپیماهای بدون سرنشین می‌باشند (دادگر، بی‌تا). ارتقا‌جنگنده‌های سوخو ۲۵ جمهوری آذربایجان توسط شرکت نظامی Elbit اسرائیل گامی دیگر در همکاری نظامی دو کشور است. (www.mehrnews.com).

پیشتر رافائل هاربز سفیر اسرائیل در باکو اعلام کرده بود که حجم همکاری تجاری و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۳ از چهار میلیارد دلار فراتر خواهد رفت. جمهوری آذربایجان کشوری مطمئن و مقرون به صرفه در امور سرمایه‌گذاری اسرائیل است. اسناد ویکی‌لیکس سخنان رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف را در سال ۲۰۱۱ منتشر نمود که او با اعلام این که روابط آذربایجان با اسرائیل مانند آیسبرگ است. این سخنان ماهیت روابط دو کشور را کاملاً مشهود می‌کند (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۴۹، ۳۵۱).

همانطور که نواقع‌گرایی می‌گوید ماهیت نظام بین‌الملل آنارشیک است و قدرت فائقه‌ای برای مدیریت مناقشات جهانی وجود ندارد. بدین منوال است که رژیم صهیونیستی کوشیده است تا با نزدیک شدن به کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران مثل آذربایجان، مدل ایران در مهار نیابتی اسرائیل توسط محور مقاومت را شبیه‌سازی کند.

آنچه به زعم مقامات رژیم صهیونیستی «حلقه آتش» نیروهای مقاومت پیرامون اسرائیل برای مهار آن تعبیر شده است، اینک توسط رژیم صهیونیستی با نفوذ در کشورهای پیرامونی ایران تکرار می‌شود. اگر چه راهبرد جمهوری آذربایجان در همکاری با اسرائیل بر مبنای فرضیه نواقع‌گرایی قابل تفسیر است، اما از سویی دیگر عواقب برانگیختن ناراضایی و خشم همسایه‌ای قدرتمند و وسیع مثل ایران، می‌تواند بر مبنای الگوی همین نظریه، در دراز مدت به ضرر جمهوری آذربایجان و امنیت ملی آن تمام شود.

^۱ آیسبرگ: کوه یخی شناور اقیانوس هاست که ۹۰٪ آن زیر آب است و دیده نمی‌شود.

۴-۱-۳- منطقه نخجوان

منطقه نخجوان با وسعت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع به صورت جمهوری خود مختار زیر نظر جمهوری آذربایجان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی، نخجوان در ۴۴/۴۶ تا ۴۶/۸ طول شرقی و ۳۸/۵۰ تا ۳۹/۴۷ عرض شمالی واقع شده است (سازمان جغرافیایی نیرو های مسلح، ۱۳۸۹) در جنوب قفقاز و رود ارس واقع شده، از شمال و مشرق محدود به جمهوری ارمنستان است. طول مرزهای نخجوان با ارمنستان ۲۲۴ کیلومتر است.

با ترکیه حدود ۱۱ کیلومتر مرز مشترک دارد و با ایران در جنوب مرز مشترک ۱۶۳ کیلومتری دارد. این جمهوری (نخجوان) طبق آمار، در ابتدای سال ۲۰۱۵ میلادی، بالغ بر ۴۳۹۸۰۰ نفر جمعیت داشته است و از نظر ترکیب قومیتی، از کل جمعیت نخجوان حدود ۹۹/۱ درصد ترک، ۰/۱۵ درصد روس تبار و بقیه را سایر قومیت ها مانند کرد ها و گرجی ها تشکیل داده است (اعظمی، ۱۳۹۵).

در ۱۶۰۴ میلادی، حین جنگ های ایران و عثمانی به دستور شاه عباس اول ارمنیان حوزه رود ارس، به خصوص منطقه نخجوان فعلی و دشت آرات، که بالغ بر سیصد هزار تن بودند، به جنوب رود ارس و سپس به داخل خاک ایران کوچ داده شوند. محله جلفای شهر اصفهان را ارمنیان شهر جلفا در کنار رود ارس به یاد موطن اصلی خود بنا کردند که تا به امروز نیز به همین نام معروف است (هوسپیان، ۱۳۸۷).

طبق آمار سرشماری سال ۱۹۱۳ ارمنیان ۴/۳۹ درصد جمعیت منطقه نخجوان را تشکیل می دادند اما با اضافه شده پناهندگانی که در ۱۹۱۵ میلادی برای نجات جان خود از قتل عام دولت عثمانی از ارمنستان غربی به منطقه نخجوان کوچ کردند شمار جمعیت ارمنیان ساکن در این منطقه افزایش یافت.

با آغاز جنگ جهانی اول و متعاقب آن انقلاب روسیه در ۱۹۱۷ میلادی، ارتش عثمانی وارد منطقه نخجوان شد و در ادامه برنامه پاکسازی نژادی خود، که از دو سال قبل در ارمنستان غربی آن را به اجرا گذاشته بود، دست به کشتار ارمنیان منطقه نخجوان زد. این قتل عام ها منجر به آن شد که اکثر مناطق غربی نخجوان تقریباً خالی از سکنه ارمنی شود. با پایان جنگ بافت اجتماعی منطقه کاملاً تغییر کرد و ارمنیان نخجوان در وضعیت اقلیت قرار گرفتند (بارخوداریان، ۱۹۸۵: ۱۰۸).

پس از شکست ارتش عثمانی از ارمنستان در مه سال ۱۹۱۸ میلادی و اعلام استقلال ارمنستان، منطقه نخجوان جزئی از خاک ارمنستان شد اما در طی سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۰ میلادی جمهوری آذربایجان با کمک نظامی و مالی دولت عثمانی، که عمال آن در منطقه همجوار جمهوری ارمنستان متمرکز شده و رهبری نیرو های جمهوری آذربایجان را علیه ارمنستان در دست گرفته بودند، دائماً اهالی آذری مناطق مختلف جمهوری ارمنستان، به خصوص، منطقه نخجوان را علیه دولت مرکزی تحرک و آنان را مسلح می کردند (پاسدار ماجیان، ۱۳۶۹: ۵۳).

به دنبال تحولات سیاسی و تغییراتی که در جمهوری های قفقاز ایجاد شد نخجوان هم جزئی از شوروی قرار گرفت که بعد ها با عقد پیمان مسکو در ۲۱ مارس ۱۹۲۱، تمام مناطق تحت اشغال ترکیه، به غیر از منطقه نخجوان، به خاک این کشور ملحق و منطقه نخجوان نیز از خاک ارمنستان جدا شد و صورت منطقه ای خود مختار تحت نظارت آذربایجان درآمد (هوسپیان، ۱۳۷۸).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری های قفقاز جنوبی، کشور آذربایجان با مطرح نمودن اعدای که منطقه نخجوان توسط دالان زنگزور ارمنستان از سرزمین مادری خود جدا شده است. که به آن برونگان (برون بوم)^۱ می گویند، در رابطه با تعریف چنین وضعیتی (برونگان) که دره میر حیدر، نخستین جغرافیدان سیاسی ایران ارائه کرده است استناد می کنیم:

برونگان را مناطقی می داند که توسط خاک کشور همسایه از سرزمین اصلی خود جدا افتاده اند و در نتیجه برای اداره آن ها نیاز به ترتیبات خاصی است (میر حیدر، ۱۳۸۶: ۲۸).

¹Exclave

جمهوری آذربایجان با انتقال تسلیحات نظامی و مهمات به منطقه نخجوان از طریق خاک ایران و انباشت نیروهای نظامی وضعیت بسیار خطرناکی ایجاد کرده است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). آن کشور که با ترکیه پیمان استراتژیک نظامی دارد همکاری تنگاتنگی در مسائل نظامی پیش رو گرفته است. مستشارها و تسلیحات سنگین نظامی را از قبیل سیستم‌های موشکی وارد نخجوان نموده که تهدیدی جدی برای امنیت ارمنستان بخصوص ایروان که فاصله کمی تا آن منطقه دارد محسوب می‌شود. (www.louysworld.com) در سال ۲۰۲۰ رزمایش گسترده‌ی جمهوری آذربایجان و ترکیه در آن منطقه برگزار گردید که بلافاصله حمله نیروهای آذری با کمک‌های مستشاری و تسلیحاتی ترکیه به قراباغ و مرزهای ارمنستان رقم خورد. از بارزترین تهدید امنیتی علیه ارمنستان می‌باشد.

۴-۱-۴- کوریدور یا دالان زنگزور

مساله دالان زنگزور به عنوان نقطه مهم ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک که زمینه ساز بالقوه کشمکش منطقه‌ای و ترسیم دورنمای بحران است، با مبانی نواقع گرای طبق نظری دارد؛ همانگونه که در محتوای قرارداد آتش بس جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قسمت بالا بیان شد. بند نهم آن موافقتنامه آتش بس به صراحت بر ارتباط میان جمهوری خود مختار نخجوان و جمهوری آذربایجان متذکر شده است. اما در این بند هیچ گونه اشاره‌ای بر واژه «کریدور» و یا «گذرگاه» و «دالان» نشده است. محل عبور و ارتباط نیز نامشخص است. به همین ترتیب، ابعاد راه ارتباطی، تعداد و ترکیب نیروهای نوع تجهیزات و ارگان‌های سرویس مرزی روسیه نیز بر خلاف «بندهای دوم و ششم موافقتنامه» اشاره نشده است.

تفسیر و استدلال طرف آذری از بند نهم موافقتنامه این است که مراد از «ارتباطات بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خود مختار نخجوان»، یک دالان و گذرگاه ارتباطی است که از آن به نام «دالان زنگنه زور» یاد می‌کند. اما در مقابل، طرف ارمنی، تعریف کریدور در موافقتنامه آتش بس را فقط منحصر و محدود به «کریدور لاجین» می‌داند و به دلیل عدم صراحت و اشاره مستقیم در بند نهم به واژگانی مانند کریدور یا دالان، قائل به تعمیم چنین مفهومی به مسیر ارتباطی نخجوان به جمهوری آذربایجان از داخل خاک ارمنستان نیست. به عبارتی دیگر، طرف ارمنی معتقد است در موافقتنامه آتش بس تنها «بر رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی اشاره شده است»، نه ایجاد یک گذرگاه، کریدور یا دالان.

در واقع، طرف ارمنی، لفظ و مفهوم کریدور را فقط برای کریدور لاجین می‌پذیرد و استنباط کریدور را از بند ۹ موافقتنامه آتش بس ندارد و معتقد است این بند تنها بر گشایش مسیرهای ارتباطی تأکید دارد. اختلاف دیگر مربوط به محل عبور این مسیر ارتباطی (به تعبیر طرف ارمنی) و کریدور و دالان (به تعبیر طرف آذری) است. طرف آذری معتقد است به واسطه وجود زیر ساخت‌های ارتباطی از جمله شبکه ریلی و جاده‌ای دوران شوروی که از منطقه نخجوان به شهر مقری در مرز ایران و ارمنستان عبور می‌کند و از آنجا به جنوب جمهوری آذربایجان می‌رسد (مناطق فیضولی، جبرائیل و زنگیلان که در جنگ دوم قراباغ از کنترل ارامنه خارج شدند و به حاکمیت جمهوری آذربایجان برگشتند)، دالان زنگنه زور قاعداً باید از مسیری عبور کند که از گذشته و دوران شوروی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان وجود داشته است و نزدیک‌ترین و به صرفه‌ترین مسیر ارتباطی بین این دو بخش است.

اما در نقطه مقابل، طرف ارمنی معتقد است مسیرها و ظرفیت‌های دیگری برای تحقق این مسیر ارتباطی وجود دارد و عبور این مسیر ارتباطی و به تعبیر طرف آذری از شهر مقری در استان سیونیک و جنوب ارمنستان و در مجاورت مرز این کشور با ایران، به منزله از میان بردن یکی از مرزهای حیاتی و تنفسی ارامنه است. مخالفان دولت پاشینیان نیز از دالان زنگنه زور به عنوان «دالان ترک» یاد می‌کنند و تحقق آن را به منزله تحقق آرزوهای دیرپای پان ترکیستی در سطح منطقه تعبیر می‌کنند. (کالچی، ۱۴۰۰).

جمهوری خود مختار نخجوان به عنوان یک کریدور راهبردی مهم برای ترکیه محسوب می شود، زیرا ترکیه از طریق نخجوان به قفقاز و آسیای میانه متصل می شود و از یک سوی دیگر نخجوان و آذربایجان را به اروپا وصل می کند. بدین ترتیب اهمیت لجستیک ترکیه در این مناطق افزایش یافته است. (www.ulduztoonsm.com).

۴-۱-۵- حضور تروریست ها در مرزهای ارمنستان

یکی از تهدیدات جدید در قفقاز جنوبی که توانایی نا امن کردن کل منطقه و امنیت ارمنستان را با چالش روبرو کند، حضور تکفیری ها و تروریست های سوری در جنگ ۴۴ روزه ۲۰۲۰ است. چندین روز قبل از آغاز جنگ در قراباغ تصاویر حضور نیروهای مسلح وابسته به ترکیه در راه اعزام به جمهوری آذربایجان در فضای مجازی دست به دست می شود. در همین رابطه «رادیو شام اف ام» در گزارش عنوان کرد که ترکیه شبه نظامیان سوری را به خدمت می گیرد تا به عنوان مزدور برای نیروهای نظامی آذربایجان علیه ارتش ارمنستان بجنگند. این رادیو با استناد به منابع آگاه گفت «نیروهای ترکیه یک مرکز جذب نیرو برای این منظور در شهر اشغالی عفرین در شمال حلب افتتاح کردند، گفته می شود انگار حقوق بالایی به این شبه نظامیان پرداخت می کنند». (www.snn.ir).

یک منبع محلی به این رادیو سوری گفته بود: ترکیه می خواهد ستیزه جویان وفادار به خود را به آذربایجان منتقل کند تا در ازای یک قرار داد شش ماهه قابل تمدید با حقوق ماهانه ۲۵۰۰ دلار، با ارتش ارمنستان وارد نبرد شوند. منابع دیگر گزارش دادند که سازمان اطلاعات ترکیه MIT اکنون یک واحد نیروهای ویژه ای هیأت تحریر الشام وابسته به القاعده را گرد آورده تا در آذربایجان مستقر کند. گفته می شود این واحد ۳۰۰ نفری عملیات ویژه نیروهای مرزی را در مرز ارمنستان رهبری می کند. (www.tabnak.ir).

در این خصوص اردوغان هر گونه مشارکت کشورش در درگیری های قراباغ را رد می کند. با این حال بسیاری از تحلیلگران در رسانه های مختلف بحث می کنند که آنکارا با وجود این که هر گونه دخالت مستقیم در درگیری های قراباغ را رد می کند اما حداقل حمایت مستشاری و دیپلماتیک از باکو دارد. (www.irdiplomacy.ir).

سخنگویی وزارت امور خارجه روسیه ماری زاخارووا در واکنش به پرسش خبرنگاری در مورد امکان انتقال جنگجویان از سوریه به قراباغ برای نبرد به نفع یکی از طرف های مناقشه گفت: ما این اطلاعات معتبر را در اختیار داریم و بنابراین شما در این مورد حق دارید. (www.khabaronline.ir) همچنین یک مسئول وابسته به وزارت دفاع روسیه به نقل از وزیر دفاع روسیه گفت: ما نگران انتقال تروریست ها از خاورمیانه به قراباغ هستیم. (www.irna.ir).

رئیس جمهور فرانسه نیز در نشستی اعلام نمود که کشورش شواهدی در اختیار دارد که انتقال جنگجویان از سوریه به قراباغ توسط ترکیه را ثابت می کند. امانوئل مگرون که در اجلاس اتحادیه اروپا در بروکس سخن می گفت از ترک جنگجویان سوری از سوریه برای شرکت در مناقشه مسلحانه قراباغ تاکید کرد. (www.khabaronline.ir).

دیده بان حقوق بشر سوریه، وابسته به مخالفان سوری با انتشار اطلاعیه ای مدعی شد که دست کم ۲۸ مزدور سوری هوادار ترکیه طی نبردهای شش روز گذشته در منطقه قراباغ کشته شده اند. در این اطلاعیه تصریح شده که کشته شدگان بخشی از ۸۵۰ مزدور سوری وفادار به آنکارا بودند. که از شمال حلب با ابتکار ترکیه برای یاری رساندن به نیروهای آذربایجان در نبرد قراباغ اعزام شده بودند. (www.jamran.news).

در این خصوص، کارشناس مسائل بین الملل در مصاحبه با سایت رسمی خبرگزاری رسمی حوزه، حضور ۳ هزار عنصر تروریست در قراباغ از سوریه را تلاش برای نا امن کردن منطقه و الخصوص مرزهای ایران را بیان می کند. که پیرو حضور رژیم صهیونیستی در آذربایجان می باشد.

۴-۲-ترکیه

۴-۲-۱-تهدیدات مرزی و عدم روابط دیپلماتیک

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ چشم انداز سیاسی و ژئوپلیتیک اورآسیا دچار تغییر شگرفی شد. در منطقه قفقاز جنوبی به عنوان قلب این پهنه جغرافیایی، سه جمهوری ارمنستان، آذربایجان، گرجستان متولد شدند. ترکیه به عنوان همسایه پر نفوذ این جمهوری ها در ۹ نوامبر ۱۹۹۱ جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و دو جمهوری دیگر را نیز یک ماه بعد یعنی در ۱۶ دسامبر بدون هیچ تبعیضی، مورد شناسایی سیاسی قرار داد.

همان سال، اولین ارتباط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور برقرار گردید. بعد از این دیدار هیاتی بلند پایه از ارمنستان روانه ترکیه شد تا راه های همکاری بیشتر در منطقه و بهره گیری از ظرفیت های موجود در بخش تجاری را بررسی کنند. (کربلایی زاده، ۱۳۹۰).

بعد از دیدار سفیر ترکیه از ارمنستان وی برای عضویت ارمنستان در سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه از لئون ترپتروسیان، رئیس جمهور ارمنستان دعوت به عمل آورد. حضور ترپتروسیان در نشست سازمان همکاری اقتصادی منطقه دریای سیاه در سال ۱۹۹۲ نشان از عزم راسخ ارمنستان برای برقراری ارتباط سازنده با همسایه ترک خود داشت. روابط دو کشور همسایه به سرعت به سطح بالایی از همکاری نزدیک می شود تا جایی که برای احداث یک شبکه انتقال برق میان دو کشور مذاکراتی صورت گرفت.

اما با توجه به مناقشه قراباغ که نیروهای ارمنی پیروزی ها و پیشروی هایی داشتند، این وضعیت به یک باره روابط دو کشور را به بدترین شکل ممکن تغییر داد، در گام اول، ترک ها قرارداد انتقال برق را فسخ کردند تا روند برقراری دیپلماتیک میان دو کشور به بن بست برسد. سپس سردی روابط دو کشور به حدی رسید که ترک ها مرزهای خود را با ارمنستان بستند و روابط میان کشور به طور کامل قطع گردید. (کربلایی زاده، ۱۳۹۰).

منازعه قراباغ موجب شد که ترکیه در سال ۹۲-۹۳ میلادی ارمنستان را به حمله نظامی تهدید کند و تحرکاتی در مرز ایجاد کند که با واکنش سریع و قاطع روسیه روبه رو شد. آذربایجانی ها همواره از ترکیه خواسته اند که مرز مشترک خود را با ارمنستان همچنان بسته نگه دارد. دو رئیس جمهوری آذربایجان علی اف و عسکرف همواره به ترکیه هشدار می دادند که هر نوع فکر بازگشایی مرزها بین ارمنستان و ترکیه موجب آسیب و لطمه ی جدی به رابطه ی ترکیه و آذربایجان خواهد شد.

تصور جمهوری آذربایجان بر این پایه بوده که در صورت وارد آمدن فشار همه جانبه به ارمنی ها، آنها از مطالبات خود در قراباغ دست خواهند کشید. (فرجی راد، ۱۳۸۹) گروه های ملی گرا در ترکیه نیز حاضر به مصالحه با ارمنستان نیستند. از نظر آنها ایجاد روابط خوب با ارمنستان، خیانت به منافع کشور متحد آنها یعنی جمهوری آذربایجان است (ارجمند، ۱۳۹۴).

در چنین شرایطی ارمنستان در محاصره جغرافیایی قرار گرفته است (از غرب به ترکیه و از شرق به جمهوری آذربایجان)، ارمنستان فقط با دو کشور جمهوری اسلامی ایران در جنوب و گرجستان در شمال ارتباط مرزی دارد. این امر مشخصاً در کوتاه ترین مسافت هزینه ترانزیتی این کشور را به مقدار توجهی افزایش داده است. برخی مطالعات این رقم را ۲۰ تا ۲۵ درصد ارزش اسمی یک کالا دانسته اند، چرا که ارمنستان مجبور است ۹۵ درصد کالاهای خود را از مسیر ترانزیتی گرجستان تامین کند، که با بازگشایی مرزهای ترکیه و ارمنستان این هزینه اضافی از بین خواهد رفت. (کبیریایی زاده، ۱۳۹۰).

سفر عبدالله گل رئیس جمهور وقت ترکیه به ایروان و سفر متقابل سرژ سرکیسیان رئیس جمهور وقت ارمنستان به آن کشور در سال ۲۰۰۸ که در چهارچوب دیدار های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ برگزار شد و به دپلماسی فوتبال معروف گردید.

به عنوان اولین سفر یک مسئول ارشد دو کشور در ۷۳ سال گذشته ثبت شد، که فصل جدیدی را در مناسبات ترکیه و ارمنستان گشود، اوج روند عادی سازی روابط، اقدام وزیران خارجه وقت ترکیه و ارمنستان در امضاء موافقتنامه پنج ماده ای با میانجیگری سوئیس در سال ۲۰۰۸ بود که در آن بر عادی سازی مناسبات، بازگشایی مرز، شناسایی قرارداد قارص و بررسی مشترک؛ مساله کشتار ۱۹۱۵ ارامنه تاکید شده بود. در این نشست، وزیران خارجه دو کشور، درباره مفاد دو موافقتنامه توافق کردند.

موفقیتنامه اول در خصوص از سرگیری روابط دیپلماتیک و موافقتنامه دوم در باب توسعه مناسبات در حوزه ها و زمینه های مختلف است که هر یک دارای مفاد و بند های مختلفی می باشد. موافقتنامه های امضا شده توسط ترکیه و ارمنستان باید توسط پارلمان های این دو کشور مورد تایید قرار گیرد که تا کنون به دلیل اختلاف دیدگاهی دو طرف مسایلی چون نسل کشی و مناقشه قراباغ مورد تصویب پارلمان های دو کشور قرار نگرفته است و بعد از گذشت تقریباً ده سال این توافق نامه ها عملاً با شکست مواجه شده است (40:2009, torosgan).

۴-۲-۲- نقش ایدئولوژی پان ترکسیم در تهدیدات امنیتی ارمنستان

تحولات بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی و تاسیس جمهوری های ترک نشین در آسیای مرکزی و قفقاز بار دیگر احساسات ملی گرایان ترک برای تاسیس امپراتوری توران را تحریک کرد. چنانچه تورگوت اوزال در ترکیه معتقد بود «ترکیه باید به خوبی نقش عثمانی ها را در منطقه ایفا کند و گر نه بزرگترین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شده است، چرا که شرایط کنونی منطقه به ترکیه اجازه می دهد تا اهمیت خود را بازیابد».

باید گفت پان ترکسیم بیشتر به مثابه یک ابزار سیاسی برای ترکیه است. ترکیه به ویژه پس از فروپاشی شوروی و استقلال دولت های ترک زبانی نظیر جمهوری آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان با طرح شعارهای پان ترکستی کوشید نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در این کشور ها به منظور افزایش نقش منطقه ای و جهانی خود افزایش دهد. از سوی دیگر این گونه تبلیغات ترکیه می کوشد با دادن شعارهای پان ترکستی و تقویت محافل شوینستی در آن دسته از کشور هایی که اقوام ترک زبان دارند، از این موضوع به عنوان یک اهرم فشار علیه آن دولت و به عنوان یک برگ امتیاز در چانه زنی های سیاسی استفاده کند. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۳).

سیمای فرهنگی نژاد محور ترکیه در همان سال اول با چالش هایی از طرف کشور های منطقه و فرامنطقه مواجه شد. ایدئولوژی پان ترکسیم موجب ناخرسندی دودسته از کشور ها شد؛ اول آن دسته از کشور هایی که اقلیت ترک هستند و در نتیجه سیاست ها و تبلیغات پان ترکستی را علیه تمامیت ارضی خود قلمداد می کنند در این خصوص می توان به ایران، روسیه، گرجستان، چین و بلغارستان اشاره کرد.

کشور های دسته دوم کشورهایی هستند که خود را در طول تاریخ قربانی پاترکسیم می دانند در این راستا می توان به ارمنستان و بخش یونانی نشین قبرس اشاره کرد. نکته مهم اینکه کشورهای ناخرسند از پان ترکسیم عمدتاً به دلیل ملاحظات دیپلماتیک معمولاً تا حد ممکن از موضع گیری آشکار در این خصوص خودداری می کنند. ولی رفتار این کشور ها مانند اقدام سال ۱۹۹۹ چین در فروش موشک های تایفون به ارمنستان به خوبی ناخرسندی این کشور ها را از سیاست های پان ترکستی نشان می داد (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۱۸). اکنون نیز با پایه گذاری دکتترین نو عثمانیسم چالش های جدی در امنیت ارمنستان ایجاد گردیده است که ظرفیت تنش های جدیدی را برای این کشور و دیگر کشورهای منطقه به وجود به وجود خواهد آورد.

بنابراین همانطور که در بخش تئوریک اشاره شد، واقع گرایی تدافعی بر این باور است که که سطح درگیری و ظرفیت های بروز مناقشه، هر چند عیان و ملموس است اما می توان تا حدی آن را مهار نمود.

پان ترکسیم به عنوان یک عامل تنش زا و تهدید کننده امنیت منطقه ای از دیرباز وجود داشته و در برهه هایی مثل فجایع دوران نسل کشی، بحران ساز بوده است. اما در عین حال همچنان به عنوان یک تهدید بالقوه به حساب می آید که بنابر ملاحظاتی مثل دشواری تغییر مرزها و موازنه قوای بین ابرقدرت های جهانی، فعلیت نیافته است. با این وجود، ضرورت رصد مداوم آن و از میان بردن ریشه های فکری و ایدئولوژیک افراطی گری، میتواند ضمانت کننده مهار این عامل بسیار تنش زا و خطرناک باشد.

۵- نتیجه

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موجب از میان رفتن قدرت مرکزی در منطقه قره باغ شد و مشابه آنچه در دیگر نقاط امپراطوری تجزیه شده شوروی همچون منطقه بالکان رخ داد، عوامل تنش را در قره باغ نیز که سال‌ها مهار شده بود، دوباره سربر آورد. در عین حال کشور ارمنستان پس از استقلال، با تعارضات ارضی، ایدئولوژیک و امنیتی که سابقه در گذشته داشت مواجه شده و تا زمان نگارش این مقاله، چالش‌های مرتبط با تعارضات مورد اشاره به طور دائمی در حال اوج گرفتن است.

اساساً هر ایدئولوژی سیاسی که با دو عنصر نژادپرستی و توسعه طلبی ارضی همراه گردد، منشا بروز ناامنی برای همسایگان و منطقه جغرافیایی که در آن واقع شده است خواهد شد. ایدئولوژی پان ترکیسم به عنوان یک طرز تفکر سیاسی افراطی، هر دو عنصر بحران آفرین نژادپرستی و توسعه طلبی ارضی را در خود داشته و موجب گردیده است که در ادوار تاریخی مختلف، آرامنه مورد تهدیدات جدی امنیتی قرار دهد.

در مقاله حاضر به طور خاص، سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و جمهوری آذربایجان علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی ارمنستان مورد بررسی قرار گرفتند؛ در همین راستا مساله تاریخی نسل‌کشی به عنوان مبدا تنش‌ها و از دست دادن بخش ارمنستان غربی شامل مناطق قارص، وان و کوه‌های آراتات، تهدید به حمله نظامی ترکیه در سال‌های اولیه دهه نود میلادی که با موضع شدید روسیه روبرو شد، مسدود نمودن مرزهای پیرامونی ارمنستان و عدم روابط دیپلماتیک مناسب بین ایروان و آنکارا به عنوان چالش‌های امنیتی مهم این منطقه معرفی و مورد بحث قرار گرفتند.

مناقشه در منطقه قره باغ میان دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان که با جنگ‌های طولانی در آن منطقه مواجه گردیده است و همچنان نیز ادامه دارد در کنار ادعاهای ارضی باکو، از دیگر تهدیدات امنیتی علیه ارمنستان محسوب می‌شود و چنان که گفته شد، بنیان این تهدیدات نه الزاماً بر پایه ژئوپولیتیک منطقه که به طور عمده ای ریشه در افراطی‌گری نشات گرفته از ایدئولوژی‌های رادیکال دارد.

در عین حال تحولات سال‌های اخیر منطقه همچون بحران سوریه و جنگ داخلی، ناکامی آرامنه در مناقشه قره باغ، حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و فروش گسترده تسلیحات به آن جمهوری، از دیگر چالش‌های جدی امنیتی علیه ارمنستان می‌باشند که از این میان به مساله گسترش نفوذ صهیونیسم و آفات ناشی از آن در این مقاله اشاره گردید. مساله دالان زنگزور به عنوان دیگر عامل تنش‌زا در منطقه قره باغ است که دامنه بحران آن نه تنها متوجه ارمنستان، که کل منطقه قفقاز را تهدید می‌کند و همانطور که گفته شد در راستای بسط پان ترکیسم از غرب به شرق تا حوزه استان سین کیانگ چین و برقراری ارتباط زمینی از طریق این دالان است؛ امری که طبعاً تهدیدات امنیتی آن متوجه دیگر کشورهای همجوار از جمله ایران خواهد گردید.

تامل در موقعیت ژئوپولیتیک ارمنستان و مناسبات و ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز، دیدگاه جامعی را برای تحلیل راهبردی و امنیتی این منطقه فراهم می‌آورد که تاکنون تا حدی مغفول مانده و کمتر به آن پرداخته شده است.

این مقاله کوشید تا ضمن اهتمام به این مهم، خطر توسعه و نفوذ افکار و مرام‌های سیاسی مبتنی بر افراطی‌گری را گوشزد نماید. معضلی که در مرزهای شمالی ما وجود دارد و هوشیاری و رصد دائمی آن، ضرورتی مهم در راستای حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور خواهد بود.

منابع

- آراکلیانس.رافی، (۱۳۹۵) قره باغ کجاست؟ نگاهی گذرا به سه هزار سال از تاریخ، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۷۶، سال بیستم.
- ابراهیمی فر، طاهره، (۱۳۹۱)، سیاست بین الملل، تهران، جهاددانشگاهی.

- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، ترکیه، پان ترکیسم و آسیایی مرکزی، ۵)
- ارجمند، محمد جعفر جواد؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی، دوره ۸، شماره ۲، مطالعات اورآسیای مرکزی.
- اعظمی. هادی، سید هادی زرقانی، محسن سلطانی، (بهار ۱۳۹۵)، سطح بندی متغیر های فرهنگی - توریستی موثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری خود مختار نخجوان به ایران، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۱)، جغرافیای کامل قفقاز، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، تهران.
- بارخوداریان، ولادیمیر (۱۹۸۵)، نخجوان جدید و تاریخ مهاجرت ارمنه در سال های (۱۸۶۱-۱۹۱۷م)، ایروان، به زبان ارمنی.
- برزوی، مجتبی، (۱۳۹۳)، نام مقاله، جمهوری آذربایجان، تهدید امنیت ملی ایران، به کوشش حسین احمدی، کتاب ۲۳ تکاپو برای دولت و ملت سازی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- بیات کاوه، (۱۳۷۲)، بحران قراباغ، تهران، انتشارات پروین.
- پاسدارماجیان، هrand، (۱۳۶۹)، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، دوم تهران، زرین.
- فرجی راد، عبدالرضا؛ کیخسرو دولتیاری، یزدان (۱۳۸۹) واقعیت های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ارمنستان و ارتباط آن با منافع ایران، شماره ۱۱.
- فلاح، رحمت الله (۱۳۹۰)، الگو های فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، مرکز مطالعات اندیشه سازان.
- فیروزآبادی، جلال دهقان (۱۳۹۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۰)، روابط بین الملل، نظریه ها، و رویکردها، تهران، سمت.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.
- کاظمی، احمد، (۱۳۸۵). پان ترکیسم و پان آدریسم، تهران، نشر ابزار معاصر.
- کبریایی زاده، حسین، (۱۳۹۰) تاثیر عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، شماره ۷۵، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۴۰۰)، تأملی بر چالش ها و بهامات حقوقی و اجرای بند نهم موافقتنامه آتش بس قره باغ. www.irdiplomacy.ir کد ۲۰۰۲۵۸۵۰، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۹/۲۰.
- لاندو، جیکوب (۱۳۸۶)، پان ترکیسم یک قرن در تکاپوی الحاق گری، ترجمه حمید احمدی، دوم، تهران نشر نی.
- ماناسیان، آکساندر، غوندیان، آلی، (۲۰۱۱) قره باغ کوهستانی. مترجم سرکیس مگردیچیان، ایروان مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی، تهران، انتشارات روایت نو.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۳) تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، سمت.
- میر حیدر، دره (۱۳۸۶) مفاهیم بنیادی در جغرافیایی سیاسی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- واند، زاره، (۱۳۶۹)، افسانه پان تورانیسم، ترجمه محمدرضا زرگر، تهران، پیش و پروین. هوسپان، شاهن، (پاییز ۱۳۸۷)، نگاهی مختصر به تاریخ منطقه نخجوان، فصلنامه پیمان، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- تاریخ دسترسی ۱۳/۵/۲۰۱۸ www.louysworld.com
- سهم جمهوری آذربایجان از خرید جنگ افزار ۲۰ برابر ارمنستان اعلام شد تاریخ دسترسی ۱۵/۵/۲۰۱۸ www.irna.ir
- تاریخ دسترسی ۱۳۹۷/۲/۶ www.noormags.ir
- <http://yowfile.ir>

- Walt, S. M. (1985). Alliance. Formation the Balance of World Power, *International Security*, vol 9, No 4.
- Kiyshney, J. (2010). The Tyagedg of offensive realism: classiealyealism and the rise of China, Euyopeanjioynal of inteynationalyelat.
- Mayketos, T. N. (2009). *Turkey in the security Melting pot, china, and Eurasia Forum Quarterly*, pp 104.

